

بزرگداشت حماسه حسینی در تهران عصر ناصری

سیدمحمدحسین منظورالاجداد

منبع: فصلنامه تاریخ اسلام، شماره 5

در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، مراسم سوگواری سرور شهیدان به گستردگی در تهران برگزار می شد. با توجه به بی سوادی عمومی و کاستی های نظام آموزش مکتب خانه ای، برگزاری این مراسم، فرصت مغتنمی در اختیار دانشوران دینی قرار می داد تا به آموزش عمومی معارف دینی اقدام نمایند. در این مقاله، تعداد، نحوه برگزاری و میزان استقبال مردم از آن مجالس مورد بررسی قرار گرفته و ضمن معرفی برخی از وعظ مشهور، به نقش ملاآقادریندی در تشکیل آن مجالس، و ملااسماعیل واعظ در تأمین منابع مورد نیاز سخنوران آن ها، اشاره شده است.

واژه های کلیدی: امام حسین(ع)، عزاداری، تعزیه، ناصرالدین شاه.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، باب هشتم کتاب ((المآثر و الآثار)) خود را به بیان ((برخی آثار روحانیه و مآثر معنویه و حقایق تمدنی ای)) اختصاص داده که در مدت چهل سال - تا زمان نگارش کتاب - پادشاهی ناصرالدین شاه، با ترویج دولت، در ایران پدیدار گشته است و در بخشی از این باب، ((رواج کلی و شیاع کامل امر تعزیه داری و سوگواری حضرت امام ابو عبدالله سیدالشهدا)) را به حق، از جمله مآثر معنوی دوران ناصری به شمار آورده است. او ضمن بیان تاریخچه ای از برگزاری این ((سنت موکده که تالی فرایض مشدده است)) از دوران آل بویه تا صفویان، یادآور می شود که در زمان های گذشته، برگزاری مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام به ((روز عاشورا غالباً، و به عشر اول محرم احیاناً، منحصر بوده است و در غیر این میقات مخصوص، احدی بر این تکلیف منصوص، رسم اقدام نداشته))، اما در زمان او ((چندان این سنت سنیه رواج گرفته که در تمام ایام، جمیع اسابیع، هر شهر از شهر، در هر شهر و قصبه مشهور از ممالک شیعه، چندین مجلس حافل به ذکر این مصاب هایل، منعقد می گردد)) و می افزاید که ((از غره محرم تا سلخ صفر بخصوص، به مثابه عاشورای عهد سایر سلاطین شیعه می باشد.))

افزون بر این، وی از تعطیلی عمومی دهه اول محرم و شرکت شاه در مراسم تعزیه در تکیه دولت سخن گفته و می افزاید که سالانه از سوی دولت زیادتیر از پنجاه هزار تومان برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام خرج می شد و ((البته در تمام اقطار ایران در این دو ماه، دو کرور تومان بل متجاوز، مردم در کار خیر مصروف می دارند و بعضی حساب کرده و گفته اند که در طهران، فقط در این دو ماه، تقریباً يك کرور تومان قند و چای به مصارف روضه سیدالشهدا خوانی می

رسد.)) (1)

گزارش های نظمیه از وقایع مختلف محلات تهران در سال های 1303 تا 1305ه' بر درستی سخن اعتمادالسلطنه و اهتمام مردم به برپایی مراسم عزاداری سرور شهیدان گواهی می دهد. برای نمونه، نظمیه در ضمن گزارش وقایع روز ((دوشنبه غره شهر ذیقعه الحرام 1303)) در محله عودلاجان می نویسد:

((دیروز در خانه حاجی اسدالله بزاز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آن جا

(مستمع بودند.)

((دیروز عصر در خانه حاجی میرزا حسین تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آن جا حضور داشتند، غروب متفرق گردیدند.)) (2) در گزارش همان روز، به برقراری مجالس روضه در خانه تنی چند از ساکنان محله چالمیدان و محله بازار نیز تصریح شده است و گزارش های نظمیه در روزهای بعد نیز همین گونه بوده و کمتر روزی است که خبر از برگزاری مراسم عزاداری داده نشده باشد. اهتمام مردم به این امر به حدی بوده که حتی در شب روزی چون یازدهم ذیقعده (سالروز تولد حضرت امام رضا علیه السلام) مجالس عزاداری برپا شده است و گزارش داده اند که در این شب در محله دولت، در خانه ((حاجی حسین نام بزاز))، (3) در محله سنگلج، در خانه ((شیخ رضا)) و در محله عودلاجان در خانه ((حاجی علی)) (4) مجالس روضه خوانی بوده است و شرکت کنندگان در آن مجالس پس از صرف شام متفرق شده اند. بر اساس همین گزارش ها، این آگاهی حاصل می شود که در شب دوازدهم ذیقعده سال 1303ه' در یازده خانه در محلات مختلف تهران مجالس عزاداری برپا بوده است (5) و گاه این مراسم، برای بزرگداشت خاطره درگذشتگان صورت می گرفته است. مأموران نظمیه از محله دولت خبر داده اند که شب یازدهم ذیقعده 1303 مصادف با ((شب سال فوت همشیره استاد علی نام بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.)) (6) بدیهی است که در دو ماه محرم و صفر بر تعداد این مجالس افزوده می شده است. در دهه نخست محرم تعداد این مجالس به حدی بوده که گزارش های مستقلی در مورد آن ها به شاه ارائه شده است.

این گزارش ها با عنوان ((راپورت مجالس روضه خوانی و تکایا)) مربوط به مراسم روز جمعه 2 محرم 1304 تا ((جمعه 9 شهر محرم الحرام 1304)) بوده و در آن ها به تفصیل در مورد برگزار کنندگان مجالس عزاداری، نحوه برگزاری مراسم عزاداری و پذیرایی از شرکت کنندگان سخن گفته شده است. (7) نقل برخی از آن گزارش ها خالی از لطف نیست:

((جمعه 2 شهر محرم الحرام 1304. دیشب نواب ارفع و الاعزالدوله و امیرزاده پسرش و .. با جمعی از اعیان و اشراف در مجلس روضه خوانی جناب امین السلطان حضور داشتند. جمعیت کثیری از درویش و فقرا آمده، شام کاملی هم به مردم داده و هم مبلغی پول دادند.... امسال از سایر سال ها در این مجلس جمعیت زیادتر است.)) (8)

((دایی ابراهیم، ناظر درب حرمخانه مبارکه در خانه اش مجلس روضه دارد. یازده نفر از سادات روضه می خوانند.)) (9)

((از بعدازظهر در خانه جناب عضدالملک مجلس روضه خوانی است. نه نفر از ذاکرین معروف روضه می خوانند جمعی کثیر در آن جا حضور داشتند.)) (10)

((ساری اصلان اول آفتاب در خانه اش مجلس روضه دارد. جمعیت زیاد می شود. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می خوانند. علی الرسم هر يك از اهل مجلس را دو دانه نان لواش و چای می دهند.)) (11)

در این گزارش ها، هم چنین از برقراری مجلس روضه خوانی زنانه در منزل حاجی میرزاشفیع لشکرنویس، (12) پرداخت مخارج شام و غیره مجلس روضه خوانی منعقد شده در منزل سیدابوطالب صدرالذاکرین از سوی وزیر نظام، (13) حضور جمعی کثیر از فقرا و اهل محله در مجلس روضه خوانی نواب امیر آخور، (14) پرداخت پول به فقرا و مساکین شرکت کننده در مجلس روضه خانه ناظم خلوت، (15) اقدام مستوفی الممالک به دعوت از چهل نفر طلبه برای شرکت در مجلس عزاداری و

پرداخت يك هزار دينار وجه نقد به هر يك از آن‌ها (16) و برگزاری مجلس عزاداری در منزل مرحوم حاجی سیدصادق مجتهد سنگلجی با شرکت سیدمحمد طباطبایی خبر داده شده (17) و درباره مجلس روضه خوانی تشکیل شده در خانه حاج ملاعلی کنی مجتهد برجسته آن روزگار چنین آمده است:

((چهار ساعت به غروب مانده در خانه جناب حاجی ملاعلی مجلس روضه خوانی است. قریب بیست نفر از ذاکرین معروف و غیر معروف روضه می خوانند. جمعیت زیادی می شود. از هر طبقه مردم در آن جا حضور داشتند. چای و غلیان و افر به مردم می دهند.)) (18) گاهی در این مجالس اتفاقات پیش بینی نشده ای رخ می داد. مأموران نظمیه برخی از آن اتفاقات را گزارش کرده اند، از جمله خبر داده اند که به سبب مفقود شدن يك عدد سر قلیان در مجلس روضه منزل اقبال السلطنه ((خدام مجلس، هر کس از آن جا خارج می شد، او را می کاویدند و به مردم از این حرکت، خیلی بدگذشته بود.)) (19) هم چنین خبر داده اند که در مجلس روضه منزل ((آقاشیخ جعفر پیشنماز... دو سه نفر به واسطه چای نزاعشان شده، می خواستند زد و خورد بکنند، خدام آن‌ها را ساکت کرده، از آن جا خارج می نمایند.)) (20) یا ((دیروز جمعی از خوانین قاجار، طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند. بعد از روضه به زن‌ها یکی پنج شاهی پول می دادند. زن‌ها به واسطه پول ازدحام کرده روی هم ریخته نزدیک بود بعضی صدمه بخورند. آن‌ها را متفرق کردند.)) (21) در همین گزارش‌ها از پرداخت پول به شرکت کنندگان در مجلس روضه برگزار شده در خانه صنیع الدوله (محمدحسن خان اعتمادالسلطنه) خبر داده و گفته اند که در آن مجلس در روزهای نخستین ماه محرم ((بعد از ختم روضه به زن‌ها، هر يك، يك دانه شاهی سفید می دادند.)) (22) و در روز هشتم محرم ((علی الرسم، به زن‌ها هر يك پنج شاهی داده اند.)) (23) با توجه به محدوده شهر و محلات و تعداد جمعیت تهران در آن روزگار، می توان استنباط کرد که تعداد مجالس عزاداری منعقد شده زیاد و شرکت کنندگان در آن‌ها بسیار بوده اند. از بررسی گزارش مربوط به روز هفتم محرم 1304 بر می آید که در آن روز 48 مجلس روضه یا تعزیه خوانی برپا بوده است و تعداد این گونه مجالس در تاسوعای سال 1034 به 53 مجلس رسیده است.

مجالس روضه گاه مختلط بوده و گاه تنها به مردان یا زنان اختصاص داشته است. مأموران نظمیه از شرکت ((قریب سیصد نفر مرد و زن)) در مجلس روضه خوانی منزل صنیع الدوله خبر داده اند (24) و از گزارش‌های آنان بر می آید که مجلس روضه حاج ملاعلی کنی از شلوغ‌ترین مجالس تهران بوده است. آنان در گزارش مربوط به روز يك شنبه 4 محرم 1304 آورده اند:

((دیروز در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی جمعیت زیاد از مرد و زن حضور داشتند.)) (25) و در گزارش مربوط فردای همان روز آمده است: ((دیروز در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی به حدی جمعیت شده بوده که درب خانه را بسته بودند.)) (26) در مورد مجلس روضه خوانی منزل سیدمحمد طباطبایی هم نوشته اند: ((به حدی جمعیت شده بود که حیاط دیگر گنجایش نداشت.)) (27)

شور و هیجان و بروز احساسات مردم نیز در برخی گزارش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در مورد مجلس منعقد در خانه ((میرزا احمد پیشنماز)) چنین گزارش شده که: ((با این که روز اول بود، رقت زیادی برای مردم دست داده بود، به طوری که در موقع روضه حاجی میرزا الطف الله يك دو نفر زن غش کرده بودند.)) (28) یا ((در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی... شورش و رقت زیادی برای مردم پیدا شده بود.)) (29) و یا در مجلس روضه خوانی در منزل مرحوم آقا سیدصادق ((مردم حالت حزن غریبی داشتند، به طوری که سه چهار نفر زن به حالت ضعف افتاده بودند.)) (30)

علاوه بر گزارش های نظمیه، خاطرات قهرمان میرزا سالور که برادرزاده ناصرالدین شاه بود نیز موجود است. مجلس روضه پدر او - عزالدوله - در سال 1308 در تجریش برپا شده بود و وی از شرکت صدو هفتاد نفر زن و هشتاد نفر مرد در مجلس روز چهارشنبه نهم صفر و شرکت دویست نفر زن و جمعا دویست و پنجاه نفر زن و بچه در مجلس روز یازدهم صفر خبر می دهد. (31) او در ادامه خاطرات خود متذکر می شود که به هنگام شیوع بیماری وبا در تهران به سال 1310هـ. تعداد مجالس روضه خوانی فزونی یافت. وی در روز 22 محرم 1310هـ چنین نگارش کرده: ((دو سه مرتبه خلق طهران با علما و سادات به حضرت عبدالعظیم و امام زاده حسن و امام زاده اهل علی، مصلی رفته اند. هر مرتبه متجاوز از بیست هزار نفر بودند. صدقه، روضه خوانی و بذل و بخشش به شدت زیاد شده)). (32) هم چنین در روز شنبه 29 محرم 1310هـ، نوشته است: ((روضه خوانی و خیرات به حدی در طهران و شمیرانات زیاد شده که چه نویسم... دسته جات سینه زن متصل در گردش است. تمام مردم زاهد و عابد شده اند.)) (33)

چنان که ذکر شد، در آن دوره مجالس روضه به گستردگی برپا می شد. برای اداره این مجالس تربیت نیروهای کارآمد ضروری بود و دانشوری پرآوازه به نام ملاآقادریندی که خود علاقه زیادی به برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان داشت، آستین همت بالا زد و با نگارش کتاب ((اسرار الشهاده)) به رفع این نیاز پرداخت.

ملاآقادریندی در علوم معقول و منقول ماهر بود. در اصول فقه، کتاب ((خزائن الاصول)) را نوشت و در دو مجلد آن که به سال 1267هـ در تهران چاپ شد، اصول فقه، اصول عقاید، درایه، رجال و نظایر این ها را مورد بحث قرار داد. (34) چکیده ای از آن نیز با عنوان ((عناوین المسائل)) چاپ شد. (35) در فقه، کتاب ((خزائن الاحکام)) را به عنوان شرح منظومه فقهی دانشمند برجسته و صاحب ((کرامات شیعی))، سیدمهدی طباطبایی معروف به بحرالعلوم نوشت که در یک جلد چاپ شد. (36) رساله عملیه او نیز به فارسی نوشته شده بود و مباحث تقلید، طهارت و صلوه را دربر می گرفت. (37) او در علم رجال، کتاب ((قوامیس القواعد)) را نوشت. (38) وی هم چنین از نجوم، خبر داشت و کتابی مبسوط و محققانه در فن اسطرلاب نوشت که در سال 1280هـ در لکنه به چاپ رسید. (39) با این همه، عمده شهرت او به سبب اهتمام ویژه در برقراری مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام و تألیف کتاب ((اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت)) است که به ((اسرار الشهاده)) آوازه یافته است. وی این کتاب را در چهل و چهار مجلس تدوین نمود، برای آن دوازده مقدمه قرار داد و خاتمه ای بر آن نوشت. در هر یک از این بخش ها، مجالس متعدد جای گرفت و نوشتن آن همه، هجده ماه زمان برد و سرانجام صبح روز جمعه 15 ذالقعده سال 1272هـ به پایان رسید. این کتاب چندین بار به چاپ رسیده و خود ملاآقا از صفحه 180 کتاب به بعد را به فارسی ترجمه کرده که با عنوان ((سعادت ناصری)) به چاپ رسیده است. (40) هم چنین میرزا محمدحسین فرزند علی اکبر این کتاب را به فارسی برگرداند و با عنوان ((انوارالسعاده فی ترجمه اسرارالشهاده)) در تبریز به چاپ رساند. (41) به سبب عربی بودن و تفصیل اسرار الشهاده، ملاآقا برآن شد تا مقتلی مختصر به فارسی بنویسد و این کار را انجام داد، ((جوهر الایقان)) را نوشت که چاپ شده است. (42)

اگرچه اسرار الشهاده به سبب اشتغال بر روایات و قصه های نادرست، سخت مورد انتقاد واقع شد و محدث نامی حاج میرزاحسین نوری، کتاب ((لولو و مرجان را بر ضد آن نوشت، (43) اما چاپ های مکرر این کتاب گواه استقبال مردم از آن است.

ملاآقادریندی، روحیه ای سریع التأثير و عاطفی و جانی سرشار از عشق به اهل بیت علیهم السلام داشت و افزون بر نگارش دو کتاب مقتل، خود در اقامه مراسم سوگواری امام شهیدان پیش گام بود و

به ویژه در روز عاشورا، رفتاری عجیب از وی ظاهر می شد. سخن اعتمادالسلطنه در این مورد این است که در آن روز از او ((عادات دیوساران، در جوامع مواج از تعزیه داران به صدور می رسید، بی اختیار عمامه بر زمین می کوفت و گریبان چاک می زد و بر سر خاک می ریخت)). (44) محمدبن سلیمان تنکابنی نیز می نویسد که وی ((در اقامه مصیبت حضرت سیدالشهدا مواظب و متصلب و راسخ بود به نحوی که در بالای منبر از شدت گریه غش می کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می کند و لنگ می بست و خاک بر سر می ریخت و گل به بدن می مالید)). (45) اهتمام این دانشور برجسته به برگزاری مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، از دیده مردم دور نمی ماند، بر آنان تاثیر می گذاشت و آنان از وی الگو می گرفتند. ملاآقادرندی خود نیز به منبر می رفت و در القای مطالب، شیوه ای خاص و تاثیرگذار داشت و می توان وی را آموزگار اهل منبر در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه دانست.

گذشته از دو ماه محرم و صفر، چنان که گزارش های نظمیه گواهی می دهند، مجالس روضه خوانی در دیگر ماه های سال نیز برگزار می شد و شنیده شده است که رسم روضه های هفتگی و ماهانه را ملاآقادرندی بنیاد نهاد. برگزاری موفق آن مراسم که گاه خارج از زمان مربوط به مناسبت های مذهبی صورت می گرفت، نیاز به تأمین مواد و آموزه هایی داشت که شخص منبری را به القای مطالب مختلف توانا سازد. در این زمینه، آثار ملااسماعیل واعظ سبزواری کارگشا افتاد. تسلط ملااسماعیل بر معارف سنتی و تبحر او در تنظیم و تبویب مطالب، به او این امکان را داد که از نظر محتوای منبر، راهنمای واعظان گردد. او خود القای وعظ و خطابه را کاری دشوار می دانست و در مجلس سی و هفتم از مجالس یکصدوشصت گانه کتاب ((عددالسنه)) به تشریح شرایط وعظ و واعظ پرداخته و مهیا کردن اسباب معاش، فراغت از هر مشغله، برخوردارگی از کتابخانه ای کامل، تحصیل زبان عربی، حافظه نیکو، ذوق سلیم، آگاهی از کلیات هر علم و اصطلاحات اهل فن، نیکو زبانی، تقوا و پرهیزکاری و قوت قلب را از جمله شرایط واعظ برشمرده است و این همه را با شواهد تاریخی، آیات قرآنی و حکایات و قصص آراسته و مطالب را به خوبی پرورانده است و در خاتمه، به مناسبت موضوع مورد بحث خویش، برای ذکر مصیبت، از اقدام امام حسین علیه السلام به هنگام خردسالی یاد می کند که مواعظ پیامبر گرامی اسلام را برای زهرای مرضیه سلام الله علیها نقل فرمود و خبر به پیامبر رسید و برای شنیدن آن به منزل دختر خویش آمد و در نهانگاه آماده شنیدن بازگویی مواعظ خویش از سوی حسین گردید اما کودک از بازگویی خودداری نمود و به مادر گفت ظاهرا مردی بزرگ به من می نگرد که نمی توانم درست سخن بگویم، پیامبر از نهانگاه خود بیرون آمد و حسین را در آغوش گرفت و ((سه مرتبه لب هایش را بوسید و فرمود جدت قربان شیرین زبانت شود. نمی دانم پیغمبر کجا بود ببیند روز عاشورا همین حسین به همین فصاحت، کوفیان را موعظه می کند، گوش به حرفش نمی دهند... پیغمبر کجا بود ببیند آن لب ها را که می بوسید، ملعون شرابخوار به چوب آزرده اش نمود: لما وضع الرأس بین یدیه اخذ قضیبا فضرب بها ثنا یا الحسین حتی کسرت. الا لعنه الله علی القوم الظالمین.)) (46)

ملااسماعیل واعظ، نزدیک به 95 سال زیست و سالیانی دراز منبر رفت و چکیده دانسته های خویش را در کتاب های خود نوشته، به یادگار گذاشت.

در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه؛ علاوه بر ملاآقادرندی و ملااسماعیل واعظ، چندین تن دیگر در عرصه وعظ خوش درخشیدند و برخی از آنان همچون سیدابوطالب صدرالذاکرین از محبوبیت بسیار برخوردار شدند. (47) اعتمادالسلطنه درباره او می نویسد: ((اصلا خراسانی است و فعلا طهرانی، از ذلاقت [گشاده زبانی] لسان او شگفتی می باید گرفت. قدرتی عظیم در ترقیق قلوب و اجرا دموع

دارد. شعر هم می گوید و از علم عدد و ختم و ادعیه نیز استحضار یافته است)). (48) مخبرالسلطنه از ویژگی صدای صدرالذاکرین سخن گفته، می افزاید: او تنها کسی بود که می توانست هیاهوی پنج شش هزار زن را در تکیه دولت فرونشاند. (49) سیدابوطالب صدرالذاکرین از اخلاق خوش و مردم داری هم بهره مند بود. نظمیه در ضمن وقایع روز دوشنبه 5 محرم 1304ه' گزارش داده که وی ((در خیابان چراغ گاز برای رسیدن به مجلس روضه خوانی سواره می تاخته، پسره ای شاگرد نعل بند عبور می کرده است. مشارالیه به او پهلوزده انداخته بود. صدرالذاکرین ملتفت گردیده ایستاده يك مشت نقل به چند دانه شاهی سفید به او داده و نوازش و از خود راضی کرده، می رود.)) (50) علاوه بر این چهار تن، می بایست از میرزا محمدرضا واعظ همدانی یادکرد که به گفته اعتمادالسلطنه، در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان یدطولایی داشت و مردم به مجلس موعظت و تذکیر وی، میلی عجیب داشتند. محمد قزوینی نیز واعظ همدانی را به بسیاری فضل و اطلاع و فصاحت و بلاغت در کلام و بیان شیوا ستوده، از اشتیاق فراوان خود برای حضور در پای منبر وعظ او سخن گفته و می افزاید: ((وی در سنین اواخر عمر خود، بسیار مکرر در مجالس وعظ تصریح می کرد که ظهور حضرت صاحب الامر بغایت نزدیک است و می گفت که رجای واثق است که حتی بسیاری از کسانی که در همین مجلس حضور دارند، درك فیض ظهور آن حضرت را خواهند نمود)) و بر این مطلب ((فوق العاده اسرار و تقید و تعهد داشت)). قزوینی می نویسد که هرگز نفهمیده که سبب اصرار میرزامحمدرضا واعظ همدانی در بیان این مطلب چه بوده و چرا با وجود منع ائمه علم السلام از تعیین زمان ظهور، وی بر این کار مبادرت می ورزید. واعظ همدانی سرانجام روز پنج شنبه چهارم ربیع الاول سال 1318ه' در گذشت (51) و شنوندگان وعظ او نیز در گذشته اند و اگر چه سخن او در مورد ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام تحقق نیافت اما احتمالاً تأکید او بر ابراز این مطلب، به پذیرش عمومی تحولات جامعه ایران در دوران مشروطه خواهی یاری رسانده است. برشماری نام و نشان همه واعظان تهران در دوره ناصری ممکن نیست و بجاست که تنها به يك نکته دیگر اشاره کنیم و آن این که، کسب شهرت در تهران گاه موجب اشتها يك تن از وعاظ در سراسر کشور می شد و متقابلاً گاه نیز از دیگر نقاط کشور واعظانی به تهران مآمده اند. اعتمادالسلطنه در مورد حاج میرزااحمد اصفهانی می نویسد: ((در شغل مرثیه سرایی و کار روضه خوانی به مقامی سامی رسید وصیت صوتش از طهران به همه جای ایران کشید.)) (52) و همو این گونه از ملامحمدباقر فشارکی یاد کرده که: ((در جرگه علمای اصفهان، مشهور است و به طهران نیز مکرر آمده، مسجد و منبرش رونقی لایق دارد و رواجی فائق.)) (53) هم چنین از حاج مولی علی واعظ قزوینی و تسلط زیاد او در کار منبر یاد کرده که: ((در خراسان و آذربایجان و مملکت ری و عراق عرب که در آن ها موعظه کرده و روضه خوانده است قبول عام دارد و شهرت تام.)) (54) علاوه بر مجالس روضه خوانی، در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه، مراسم تعزیه نیز به گستردگی برپا می شد و مورد استقبال مردم قرار می گرفت. پرداختن به موضوع تعزیه در آن دوران، مجال دیگر می طلبد، اما برگزاری آن مجالس و این مراسم، فرصت مغتنمی برای آموزش عمومی معارف دینی به مردم در اختیار دانشوران دینی قرار داد، آن هم در جامعه ای که سطح سواد عمومی در آن نازل بود و آموزش در خور توجهی نداشت. بررسی نحوه بهره گیری آن دانشوران از این فرصت، نیازمند پژوهش گسترده در متون بازمانده از آن روزگار و عزم و همت پژوهشگران پرتلاش روزگار ماست.

پی نوشت ها:

1. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول: المائر و الاثار، تألیف محمدحسن

- 134-133. خان اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار (تهران، انتشارات اساطیر، 1363) ص 133-134.
2. گزارش های نظمیه از محلات طهران: راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه (1303-1305ه')، (تهران، سازمان اسناد ملی ایران، 1377)، ج 1، ص 3.
3. همان، ص 39.
4. همان، ص 40.
5. همان، ص 46-43.
6. همان، ص 43.
7. همان، ص 235-197.
8. همان، ص 198-197.
9. همان، ص 198.
- 10 و 11. پیشین، همان جا.
- 12 و 13. همان، ص 199.
14. همان، ص 199.
15. همان، ص 200.
16. همان، ص 204.
17. همان، ص 199.
18. همان، ص 201.
19. همان، ص 199.
20. همان، ص 202.
21. پیشین، همان، ص 213.
22. پیشین، همان جا.
23. همان، ص 226.
24. همان، ص 213.
25. همان، ص 211.
26. همان، ص 216.
27. همان، ص 227.
28. همان، ص 202.
29. همان، ص 211.
30. همان، ص 227.
31. روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، جلد اول: روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران، انتشارات اساطیر، 1374) ص 400.
32. همان، ص 482.
33. همان، ص 484.
34. ر.ک: شیخآقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه (بیروت، دارالاضواء 1403ه' /1983م)، ج 7، ص 152.
35. همان، ج 15، ص 351.
36. همان، ج 7، ص 152.
37. همان، ج 11، ص 213.

38. همان, ج 10, ص 97.
39. همان, ج 5, ص 291.
40. همان, ج 2, ص 279.
41. همان, ص 429.
42. همان, ج 5, ص 264.
43. ر.ك: محدث نوری, لولوء و مرجان در آداب اهل منبر (بی جا, بی نا, بی تا), ص 167-169.
44. ر.ك: چهل سال تاریخ ایران, ص 189.
45. ر.ك: محمدبن سلیمان تنکابنی, قصص العلماء (تهران: انتشارات اسلامیة), ص 109.
46. ر.ك: ملا اسماعیل واعظ سبزواری, عددالسنه (تهران, کتابفروشی اسلامیة), ص 188-194.
47. ر.ك: مهدی بامداد, شرح حال رجال ایران در قرن 12, 13, 14ه' (تهران; زوار, 1371), ج 6, ص 18-17.
48. چهل سال تاریخ ایران, ص 282.
49. ر.ك: مهدیقلی هدایت, خاطرات و خطرات (تهران: زوار, 1363), ص 88.
50. گزارش های نظمیه از محلات طهران, ص 164.
51. محمد قزوینی, ((وفیات معاصرین)), یادگار, سال سوم, شماره دهم (خرداد 1326), ص 16-17.
52. چهل سال پادشاهی... ص 289 و جلد دوم همان, کتاب, تعلیقات مرحوم حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار, ص 796-795.
53. پیشین, ص 249.
54. پیشین, ص 269.

منابع

- اعتمادالسلطنه, محمدحسن خان: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه, جلد اول: المآثر و الآثار, به کوشش ایرج افشار (تهران, انتشارات اساطیر, 1363) ص 133-134.
- بامداد, مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن 12, 13, 14ه' (تهران; زوار, 1371), ج 6, ص 18-17.
- تنکابنی, محمدبن سلیمان: قصص العلماء (تهران: انتشارات اسلامیة), ص 109.
- سبزواری, ملا اسماعیل واعظ: عددالسنه (تهران, کتابفروشی اسلامیة), ص 188-194.
- قزوینی, محمد: ((وفیات معاصرین)), یادگار, سال سوم, شماره دهم (خرداد 1326), ص 16-17.
- طهرانی, شیخآقابزرگ: الذریعه الی تصانیف الشیعه (بیروت, دارالاضواء 1403ه'/1983م), ج 7, ص 152.
- نوری, محدث: لولوء و مرجان در آداب اهل منبر (بی جا, بی نا, بی تا), ص 167-169.
- هدایت, مهدیقلی: خاطرات و خطرات (تهران: زوار, 1363), ص 88.
- روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور), جلد اول: روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه, به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران, انتشارات اساطیر, 1374) ص 400.
- گزارش های نظمیه از محلات طهران: راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافة (1303-1305ه'), (تهران, سازمان اسناد ملی ایران, 1377), ج 1, ص 3.